

مکان‌یابی پرسوا، پرسواش، پرسمش و پرسومش: یک تجدیدنظر

روزبه زرین‌کوب*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

کیومرث علی‌زاده

دانشجوی دکتری تاریخ ایران پیش از اسلام دانشگاه تهران

(از ص ۳۹ تا ۵۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

از قرن ۱۹م. تا به امروز بحث‌های زیادی درخصوص مکان‌یابی نام‌جای‌های پرسوا، پرسواش، پرسمش و پرسومش در منابع آشوری، اورارتویی و بابلی انجام شده است. پژوهشگران، نواحی مختلفی از جمله جنوب دریاچه ارومیه، زاگرس مرکزی و پارس را پیشنهاد کرده‌اند. اغلب این‌گونه تصور می‌شود که این اسامی از قرن ۹ پ.م تا دوره‌ی سارگن دوم را می‌توان در زاگرس مرکزی مکان‌یابی نمود؛ اما با روی کار آمدن سنخ‌ریب تغییر در مکان‌یابی این نام‌جای‌ها رخ می‌دهد و بررسی منابع نشان می‌دهد که این نام‌جای‌ها دیگر اشاره به زاگرس مرکزی نداشته و می‌بایست آن‌ها را در پارس مکان‌یابی کرد. هرچند مکان‌یابی پرسوا و پرسواش در زاگرس مرکزی منطقی می‌نماید، به نظر می‌رسد که بررسی منابع آشوری به‌ویژه دوره‌ی سارگن دوم و آشوربانی‌پال و مقایسه‌ی آن‌ها با سایر منابع بسیاری از این نظریات را با تردید جدی مواجه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: پرسوا، پرسواش، پرسمش، پرسومش، پارس، ارومیه، زاگرس مرکزی

* رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: zarrinkoobr@ut.ac.ir

۱. مقدمه

به‌رغم بحث‌های فراوان، تاکنون اتفاق‌نظری درباره مکان‌یابی پرسوا، پرسواش، پرسمش و پرسومش به‌دست نیامده است.^۱ پژوهشگران اغلب پرسوا را در جنوب دریاچه ارومیه، زاگرس مرکزی و پارس مکان‌یابی نموده‌اند. نقطه‌ضعف تمامی این پژوهش‌ها این است که هیچ‌یک از تمامی منابع برای بررسی مکان پرسوا استفاده نکرده‌اند. پژوهشگران بیش‌ازهمه بر کتیبه‌های خط سیر لشکرکشی شاهان آشوری تأکید کرده‌اند؛ درحالی‌که از نامه‌های اداری دوره سارگن دوم و آشوربانی‌پال غفلت کرده‌اند. توجه به گروه اخیر از منابع نشان می‌دهد که نتایج بسیاری از این پژوهشگران نادرست است.

در این نوشتار با بررسی تمامی منابعی که در آن‌ها از قرن ۹ پ.م تا روی‌کارآمدن پارسی‌ها به رهبری کورش دوم به پرسوا (Parsua)، پرسواش (Parsuaš)، پرسمش (Parsamaš) و پرسومش (Parsumaš) اشاره شده است، تلاش می‌شود تا مکان تقریبی این نام‌جای‌ها تعیین شود. به دیگر سخن، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که این نام‌جای‌ها از قرن ۹ پ.م تا روی‌کارآمدن کورش دوم را در کدام منطقه می‌توان مکان‌یابی نمود؟ آیا همگی این اسامی اشاره به یک منطقه جغرافیایی و یا چندین منطقه در غرب ایران (جنوب دریاچه ارومیه - زاگرس مرکزی - پارس) دارند؟^۲

۲. منابع آشوری

۱،۲. سلطنت شلمنصر سوم (۸۲۴-۸۵۸ پ.م)

در دوره شلمنصر سوم چندین بار نام پرسوا ذکر شده است. در شانزدهمین سال سلطنت او در دو مورد به کوهستان کولر (Kullar)^۳ به‌عنوان مبدأ حرکت اشاره شده و در یک مورد دیگر ابتدا از اربیل و سپس از کوهستان کولر نام برده شده است. هم‌چنین در دو مورد بعد از کوهستان کولر به سرزمین مون (Munna) و در یک مورد به زموآ (Zamua)^۴ و بعد از آن به مون اشاره شده است. در تمامی این کتیبه‌ها به سرزمین آلبریئی (Allabria)^۵ بعد از مون اشاره شده و در ادامه ترتیب قرارگیری سایر نام‌جای‌ها مشابه هم هست؛ به‌این ترتیب که بعد از آلبریئی بلافاصله نام پرسوا، آبدانو (Abdadānu)^۶، حَبَن (Ḫaban)^۷، نمری (Namri)^۸ و توپلییش (Tupliaš)^۹ ذکر شده است. (Grayson, 1996: 40, 54, 61). در لشکرکشی سال بیست‌وچهارم، شلمنصر از کوهستان هشیمور (Hašimur) وارد سرزمین نمری شد، او بلافاصله بعد از نمری به پرسوا رفت و از ۲۷ شاهک پرسوا باج ستاند. سپس از پرسوا به سوی جنوب رفت و سرزمین‌های میسو

(Mēsu) ۱، ماد، آرزئیَش (Araziaš) ۱۱ و خَرخَر (Harḫar) ۱۲ را فتح نمود. در لشکرکشی سال شانزدهم به خَبن بعد از اَبَدَدانو اشاره شده و از این دو به عنوان سرزمین های حائل میان پَرسوآ و نمری یاد شده است (Ibid. 67-68). در لشکرکشی سال سی ام، دِیان آشور در ابتدا شهرهای خوبوشکیی (Hubuškaea) ۱۳ را فتح کرد و با عبور از سرزمین مَدخیشا (Madaḫišā) وارد مانا (Manna) ۱۴ شد. او سپس به سمت سرزمین خَرَن (Ḫarna) رفت و از آرتسری (Artasari) حاکم پَدیر (Paddir) خراج گرفت. سپس وارد سرزمین پَرسوآ شد و شهرهای آنجا را تصرف کرد (Ibid. 70, 82). در لشکرکشی سال سی و یکم فرمانده آشوری ابتدا خوبوشکیی را تصرف نمود، سپس وارد سرزمین موصصیر (Muṣašir) ۱۵ شد و چندین شهر آن را فتح نمود. در ادامه به سرزمین های گیلزانو (Gilzānu) ۱۶، مانا، خَرانیی (Ḫarrānia) ۱۷، شَشگانو (Šašagānu)، آندیی (Andia) ۱۸ و پَرسوآ اشاره شده است. او در سرزمین پَرسوآ، شهرهای پُشتو (Puštu)، شَلخمانو (Šalaḫamānu) و کینیخمانو (Kiniḫamānu) را به همراه ۲۳ شهر دیگر تصرف نمود. همچنین در دو کتیبه دیگر به پَرسوآ در زمان شلمنصر سوم اشاره شده است. در یک کتیبه وقفی برای خدای آدَد در کوربیل (Kurbail) آمده است: «همچون آتش از کوهستان کولر تا سرزمین های مون، پَرسوآ، اَلبرئی، اَبَدَدانو، نمری، خَبن و تا سرزمین توپلییش خروشیدم» (Ibid. 54). همچنین کتیبه کوتاه دیگری از پَرسوآ در فهرست سرزمین های تحت سلطه پادشاه آشوری نام می برد: «سرزمین پَرسوآ، سرزمین اَبَدَدانو، سرزمین توپلییش و سرزمین [x] را فتح کردم» (Ibid. 115). همچنین در ۱۵ آوریل ۲۰۱۴ در تل-آجاج (Tell-Ağāḡa) در منطقه باستانی شَدیکنی (Šadikkanni) واقع در سوریه مجسمه ای کشف شد که در آن به یک لشکرکشی علیه سرزمین های شرقی آشور اشاره شده است. ستون نخست آن به سرزمین پَرسوآ به صورت ¹⁹KURParsāya / KURPa-ār-sa-a-a در کنار گیزیلبوند، مانا، خوبوشکیی، آریدو (Aridu) و خَبرورُو (Ḫabruru) اشاره دارد. این کتیبه به لشکرکشی جدیدی اشاره دارد که سایر رونوشت های آن باقی مانده و احتمالاً به سال ۸۲۶ پ.م، مربوط است (Frahm, 2015: 77-81, fn. 5). هرچند به یقین نمی توان گفت که این نام به صورت نوشتاری دیگری از نام جای پَرسوآ اشاره دارد، در صورت صحت، می توان گفت در این زمان همچنان به پَرسوآ / پَرسای در کنار نام جای هایی اشاره شده که همگی در جنوب دریاچه ارومیه و زاگرس مرکزی واقع شده اند. به طور خلاصه، براساس منابع دوره شلمنصر سوم، به پَرسوآ همیشه در زاگرس مرکزی اشاره شده است. مکان دقیق پَرسوآ

مشخص نیست و به نظر می‌رسد که در حال حاضر ماهیدشت (Levine, 1974: 106-112) و سندنج (Reade, 1978: 119) دو گزینه مناسب برای مکان تقریبی پرسوا هستند.

۲.۲. سلطنت شمش - ادد پنجم (۸۱۱-۸۲۳ پ.م)

پادشاه آشور از رودخانه زاب عازم کوهستان کولر شد و سپس به سوی سرزمین نئیری (Nairi) حرکت کرد. در این زمان از سرزمین‌های خوبوشکی، مانا، پرسوا، تئوزل (Taurla)، میسو، گیزیلبوندا^{۲۱}، ماد، آرزیش (Araziaš)^{۲۲} و سگبیت (Sagbita)^{۲۳} یاد شده است (Grayson, 1996: 184). همچنین در متنی دیگر از پرسمش در زمان شمش - ادد پنجم نام برده شده است.^{۲۴} نام پرسمش به طور کامل در کتیبه برجای مانده؛ تنها r-sa-maš (?) باقی مانده و مترجم کتیبه معتقد است که آن به URU Parsamaš اشاره دارد. در این کتیبه ابتدا به اهالی سرزمین (X) اشاره شده که از ترس شهرهایشان را تخلیه کرده و به ایلام پناه بردند و در ادامه از قتل‌عام مردم شهرهای پرسمش تا بیت - بونکی (Bit-Bunakki) یاد شده است (Ibid. 193). در منابع، بیت - بونکی به صورت بیت - پورنکی / بونکی آمده است و می‌توان آن را در حوالی ایلام و رشی^{۲۵} مکان‌یابی نمود (Zadok, 1985: 99; König, 1938: 38). این کتیبه از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست، اگر بازسازی صورت نوشتاری پرسمش را بپذیریم، در دوره شمش - ادد پنجم پرسوا و پرسمش در دو محیط جغرافیایی متفاوت از هم ذکر شده‌اند: یکی در شمال نمری، جنوب غربی گیزیلبوندا و جنوب البری و دیگری در مکانی جنوبی‌تر و در مجاورت ایلام، دیگر اینکه صورت‌های نوشتاری پرسوا و پرسمش در زمان شمش - ادد نشان می‌دهند که در منابع آشوری از آن‌ها در اشاره به مناطق متفاوتی استفاده می‌شد و دیگر نمی‌توان آن‌ها را صورت‌های نوشتاری مختلف یک منطقه دانست.



شکل ۱: نام‌جای‌های مذکور در غرب ایران و میان‌رودان بنابر منابع میان‌رودانی (Reade, 1978: 140)

۳.۲. سلطنت آدد- ناراری سوم (۷۸۳-۸۱۰ پ.م)

در این دوره تنها یک بار و آن هم در فهرست سرزمین‌های تحت سلطه آدد- ناراری سوم نام پرسوا آمده است. در این کتیبه‌ها از کوهستان سیلون (Siluna) در شرق به‌عنوان نقطه آغازین یاد شده است. سپس به‌ترتیب از سرزمین‌های نمری، الیپی، خرخر، آرزئییش، میسو، ماد، گیزیلبوند، مون و سپس پرسوا یاد شده و در ادامه به ترتیب به سرزمین‌های آلبرئی، آبدانو، نئیری و اندی اشاره شده است (Grayson, 1996: 212). در این دوره به پرسوا همچنان در زاگرس مرکزی اشاره شده است.

۴.۲. سلطنت تیگلت-پیلیر سوم (۷۲۷-۷۴۴ پ.م)

در این دوره همچنان به پرسوا در کنار نام‌های اشاره شده که اشاره به مکان آن در زاگرس مرکزی دارند.

«سرزمین‌های نمری، بیت- سنگیوتی^{۲۶}، بیت- همین، سوموزو، بیت- برو^{۲۷}، بیت- زولز، بیت- متی، شهر نیکو از توپلیش، بیت- ترنزی، پرسوا، بیت- زتی، بیت- آبدانی، بیت- کپسی^{۲۸}، بیت- سنگی، بیت- تزکی، بیت- ایشتر، شهر زکروتی^{۲۹} از مادهای قدرتمند را من به آشور ملحق گرداندم» (Tadmor & Yamada: 2011: 52, 84, 97, 102, 120).

۵.۲. سارگن دوم (۷۰۵-۷۲۱ پ.م)

ABL 0165 از نبو- رمنی (Nabû-remanni) به‌عنوان حاکم پرسوا یاد می‌کند (Fuchs & Parpola, 2001: no. 53). ABL 311 به رایزنی‌های فردی به‌نام شرو- امورنی (Sarru-emuranni) با سارگن دوم اشاره دارد. طبق این نامه مسیر حرکت برای حاکم آرفه دشوار بوده و به همین دلیل سه روز طول می‌کشید تا او از خبن به آنجا برسد. به همین خاطر شرو- امورنی می‌توانست با حرکت به سمت پرسوا زودتر از حاکم آرفه به آنجا برسد (Lanfranchi & Parpola, 1990: no. 199).^{۳۰} همچنین در فهرست مناطق تحت سلطه آشور به پرسوا اشاره شده است. در این فهرست (Fales & Postgate, 1995: no. 001) بعد از سرزمین کوش از ماد و پرسوا نام برده شده است. CT 53 110+ در این رابطه از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نامه اشاره به حرکت پادشاه ایلام به بیت- بونکی دارد. طبق این نامه پادشاه ایلام پیکی به پرسومش فرستاده است. متن نامه به‌شدت آسیب دیده و مشخص نیست که به چه منظور او این کار را انجام داده است. نکته مهم اینکه بار دیگر به پرسومش در کنار بیت-بونکی و ایلام اشاره شده است (Fuchs & Parpola, 2001: no. 129). این نامه نشان می‌دهد که بازسازی پرسومش/پرسومش در دوره شمش- آدد پنجم درست است. در آنجا به پرسومش در کنار بیت-بونکی اشاره شده

(Grayson, 1996: 193 29'- 34') که برای بحث ما بسیار حائز اهمیت هست. همچنین به پرسوا در کتیبه‌های مربوط به لشکرکشی‌ها اشاره شده است. سارگن مدعی است که «(۹۱-۹۲) ... [...] شهرهای بیت- کیلم زخ (Bīt- Kilamzah)، [...] - لم، گنون‌گوختو (Ganunguhtu)، [...] (همگی به تعداد) شش شهر، از سرزمین نیکسم (Niksama) را فتح (۹۲-۹۳)» نموده و «شیپی - شری (Šēpī-šarri) حاکم شهر شورگدیی (Šurgadia) را اسیر» کرده (۹۳) و آن شهرها را به استان پرسواش ملحق نموده است (Fuchs, 1994: 317, 346). فوکس (Ibid. 435) گنون‌گوختو را در مسیر نیکسم مکان‌یابی نموده، اما مکان دقیق‌تری برای آن پیشنهاد نکرده است. هرتسفلد (1968: 175) شورگدیی را در زاگرس مرکزی و حوالی اردلان و در مجاورت استان آشوری پرسواش مکان‌یابی کرده است. تعیین مکان دقیق سایر شهرهای مذکور دشوار بوده و نمی‌توان مکانی روی نقشه برای آن‌ها پیدا نمود.

به‌طور خلاصه بررسی منابع دوره سارگن نشان می‌دهد که به پرسوا / پرسواش و پرسومتش / پرسمش (؟) به‌ترتیب در زاگرس مرکزی (پرسوا، پرسواش) و نواحی جنوب / ایلام (پرسومتش / پرسمش) اشاره شده است. در این زمان تغییری در املاهای پرسوا رخ داده؛ در سالنامه سارگن دوم به‌صورت پرسوا آمده، درحالی‌که در یک کتیبه دیگر و در اشاره به همان منطقه جغرافیایی از صورت نوشتاری پرسواش استفاده شده است. مشخص نیست که آیا کاتب از این کار هدفی داشته و یا صرفاً اشاره به اختلاف جزئی در نگارش آن دارد.^{۳۱}

۶.۲. سنخریب (۶۸۱-۷۰۴ پ.م)

در این زمان پرسواش در یک بافت کاملاً متفاوت و تازه آمده است. در ۶۹۱ پ.م، پادشاه ایلامی هوبن - نومین نیروهایی از مناطق مختلف برای شرکت در نبرد خوله (Halula) جمع‌آوری کرد که در میان آن‌ها پرسواش دیده می‌شود. به پرسواش همراه با نام‌جای‌هایی مانند انشان اشاره شده است: پرسواش، انشان، پَشِرو (Pašeru)، الپی و... (Grayson & Novotny, 2012: 44 43-52). می‌بایست به این نکته مهم توجه نمود که این کتیبه‌ها فاقد هرگونه ارزش جغرافیایی برای بحث حاضر هستند. در این کتیبه‌ها صرف‌تاً قرارگرفتن پرسواش و انشان در کنار هم، به‌معنای هم‌جواری آن‌ها نیست و ترتیب قرارگیری سایر اسامی موجود در این کتیبه این موضوع را تأیید می‌کند. به دیگر سخن، منابع دوره سنخریب بیشتر دارای اهمیت سیاسی بوده و اشاره به نفوذ پادشاه ایلام در شمال و جنوب دارد و نمی‌توان از آن برای مکان‌یابی پرسواش در این دوره استفاده کرد.

۷.۲. اِسْرَحَدون (۶۶۹-۶۸۰ پ.م)

در چندین متن پیشگویی از دوره سارگن یا اِسْرَحَدون (؟) به پِرسومش در کنار بیت-خمبن اشاره شده است. در SAA IV 37, 39-40 پادشاه آشوری از شَمَش می‌پرسد که آیا سکاها و کیمیری‌ها به بیت-خمبن و پِرسومش حمله خواهند نمود؟ و آیا به منطقه شَمَش-نصیر حمله خواهند نمود؟ (Starr, 1990: nos. 37, 39-40). پیش‌ازاین عنوان شد که صورت نوشتاری پِرسَمَش و پِرسومش در منابع تنها برای اشاره به نواحی جنوب و مرزهای شرقی ایلام به‌کار رفته است؛ اما ذکر پِرسومش در کنار بیت-خمبن مشکلاتی را برای این نتیجه‌گیری به‌وجود می‌آورد؛ تعیین مکان دقیق بیت-خمبن امکان‌پذیر نیست. این نام در دوره‌های مختلف به‌صورت خَبَن، خَبْن، بیت-خمبن و بیت-خَبَن ذکر شده است. اشاره به آن در کنار نمری باعث شده تا آن را در منطقه کرمانشاه (سرپل‌ذهاب و اسلام‌آباد غرب) مکان‌یابی کنند (Levine, 1972-75a: 71)؛ بااین‌حال ارتباط آن‌ها مشخص نیست و نمی‌توان اشاره هم‌زمان به آن‌ها را دال بر مجاورت آن‌دو دانست و این تنها موردی است که به پِرسومش (و نه پِرسوا/پِرسواش) در ارتباط با بیت خَمَبِن (اما نه زاگرس مرکزی) اشاره شده است.

۸.۲. آشوربانی‌پال (۶۳۱-۶۶۸ پ.م)

آشوربانی‌پال در یکی از سالنامه‌هایش ادعا کرده که «کورش پادشاه پِرسومش فرزند ارشدش آروکو (Arukku) را همراه با خراج به نینوا فرستاد.» (Kuhrt, 2007/I: 53-54, fn.2) همچنین در یک گروه از نامه‌نگاری‌ها چندین بار به پِرسومش و مردمان ساکن پِرسومش اشاره شده است. در ABL 961 به ساکنین پِرسومش (LÚPar-su-) (maš/LÚPar-su-maš-u-a)، تَمَریتو (Tammaritu)، ایلام و خیدلو (Hidalu) اشاره شده است (Waterman 1930: 166-167). طبق این نامه مردمان پِرسومش از ادامه پیش‌روی باز خواهند ماند. هرچند متن مشوش نامه اجازه اظهارنظر صریح در این باره را نمی‌دهد، اما به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی اطلاعات خوبی را در اختیار قرار می‌دهد. در اینجا از پِرسومش در کنار خیدلو^{۳۳} در مرزهای شرقی ایلام یاد شده است. این نامه و نامه‌های بعدی نشان می‌دهند که در این دوره همچنان پِرسومش در کنار نام‌جایی در مرزهای شرقی ایلام و نه در زاگرس مرکزی ذکر می‌شود. به عنوان مثال، ABL 1309 اشاره به ورود پادشاه ایلام و پسرش همراه با افرادی از منطقه‌ی پِرسومش به خیدلو دارد. در این نامه همچنین اَرشو/راشو/رشی^{۳۴} و پوقودو (Puqudu)^{۳۵} ذکر شده است. همچنین در ABL 1128 به پِرسوا اشاره شده است. در این نامه که نبو-شوم-لیشیر

(Nabu-šum-lišir) برای آشوربانی‌پال نوشته، به ارسال سنگ آستانه‌ای از سرزمین پرسوا اشاره شده است. هنگامی که سنگ آستانه به شهر بیرتی (Birati) رسید، نبو-شوم-لیشیر همراه آن فرستاده‌ای را نزد آشوربانی‌پال گسیل داشت (Waterman, 1930: 286-287). پارپولا (1987: 75 fn. 84) معتقد است که خَرَرَتِ (Hararate) اشاره به منطقه مابین رمادی و الحدیث داشته و آن برابر است با بیرتی در دوره آشور نو. به دیگر سخن او بیرتی را در ناحیه‌ی فرات مکان‌یابی نموده است. ایلینگ (1938a: 30; 1938b: 42) بیرتی را مرتبط با بیت-خیر می‌داند و مورد اخیر شهری است ایلامی. به بیرتی در SAA I 30=ABL 1079 به‌عنوان بخشی از سرزمین خوبوشکیی اشاره شده است. در SAA I 31=ABL 197 به آشور-رصوو (Ašur-rešuwā) به‌عنوان حاکم بیرتی اشاره شده است (Parpola, 1987: no. 31). در SAA I 45=ABL 173 بیرتی در ارتباط با سرزمین خَبْخُو (Ḫabḫū)^{۳۶} ذکر شده است (Ibid. no. 45). در این نامه‌ها به بیرتی در ارتباط با اوضاع اورارتو اشاره شده است. پادشاه اورارتو در نبرد با کیمری‌ها شکست خورده و تلفات زیادی را متحمل شد. این موضوع بارها در نامه‌ها ذکر شده است. بنابر SAA I 1079=ABL 30 شرو-لو-دَری (Šarru-lu-dari) به سمت اورارتو در حال فرار بود، سپس ذکر شده افرادی که در سرزمین خوبوشکیی حضور داشتند بیرتی را تصرف کردند (Parpola, 1987: no. 30)؛ اما به نظر می‌رسد که می‌توان بیرتی را همان بورتی در دوره سارگن دوم و در منطقه مابین الیپی و ایلام دانست، هرچند در حال حاضر نمی‌توان مکان دقیقی برای آن پیشنهاد کرد (Gorris, 2014: 206; Fuchs & Parpola, 2001: xxxiii). اگر این مکان‌یابی درست باشد، می‌توان به این نتیجه رسید که در دوره‌ی آشوربانی‌پال به پرسوا در زاگرس مرکزی و پرسومش در مرزهای شرقی ایلام هم‌زمان اشاره شده است. ABL 1311+ به لحاظ اطلاعات جغرافیایی در مورد مکان پرسومش از اهمیت بسیاری برخوردار هست. در این نامه به اشخاصی مانند اومخولوم (Umḫuluma)، تمَریتو، نبو-بل-شومات (Nabu-bel-šumāte) در کنار نام‌جای‌های ایلام، خیدلو، کیودتی (Kiudati)^{۳۷}، پیلتو (Pillatu)^{۳۸}، پرسومش، شلوک (Šallukae)^{۳۹} و رودخانه خودخود (Hudḫud) (دز) اشاره شده است (de Vaan, 1995: 313-315; Waterman, 1930: 166-167). این گروه از منابع با برخی تحلیل‌ها در تضاد هستند. میروشجی و یانگ معتقدند از قرن ۹ تا ۶ پ.م، پرسوا و دیگر صورت‌های نوشتاری را نمی‌توان با پارس ارتباط داد. آنجا که منابع در سال ۶۹۱ پ.م، از پرسواش به‌عنوان متحد ایلام نام می‌برند و یا آنجا که در نسخه H سالنامه آشوربانی‌پال به کورَش پادشاه پرسومش اشاره می‌شود، همگی

مربوط به زاگرس مرکزی و نه پارس هستند. به دیگر سخن، هیچ منبع قرن هفتمی اشاره به یکسانی و مطابقت پَرسوآ / پَرسومش با انشان در پارس ندارد (Miroschedji, 1985: 268-272, 276; Young, 2003: 245). هرچند این گروه از منابع تأییدکننده‌ی این نظر نیستند که در این دوره پَرسومش اشاره به پارس دارد؛ به‌وضوح ناقض این نظر هستند که پَرسومش را می‌بایست در زاگرس مرکزی مکان‌یابی نمود. منابع دوره آشوربانی‌پال به‌وضوح به پَرسومش و مردمان پَرسومش در مرزهای شرقی ایلام و نه زاگرس مرکزی اشاره دارند.

۳. منابع اورارتویی

پَرسوآ در منابع اورارتویی به‌صورت پَرسوآ ذکر شده است. اشاره به پَرسوآ تنها مربوط به دوره‌های ایشپوئینی (Išpuini) (۸۱۰-۸۲۵ پ.م)، مینوا (Minua) (۷۸۵-۸۱۰ پ.م) و آرگیشتی اول (Argišti I) (۷۶۳-۷۸۵ پ.م) است. در کتیبه قَرگوندوز (Karagiündüz) متعلق به ایشپوئینی و مینوا در کنار مِشت (Mešta)، قوآ (Qua)، شَریتو (Šaritu) و نی‌قی‌بی (Nigibi) به پَرسوآ (KUR Pār-šú-a-i) اشاره شده است. ایشپوئینی در این کتیبه مدعی شده که این شهرها را همراه با سرزمین پَرسوآ فتح کرده است (Salvini, 2008: 139-140 A 3-9). مِشت اشاره به شهری در شمال غرب میاندوآب و نه‌چندان دورتر از جنوب شرق دریاچه ارومیه دارد. این نام در منابع آشور نو به‌صورت میسی آمده است (Diakonoff & Kaskkai, 1981: 57) و سالوینی (1978: 7) آن را واقع در تپه حسنلو می‌داند. قوآ، شَریتو و نی‌قی‌بی همگی در سرزمین پَرسوآ قرار دارند (Diakonoff & Kashkai, 1981: 60, 67, 79). همچنین نی‌قی‌بی را می‌توان همان کوهستان نی‌کی‌پ (Nikipa) در لشکرکشی هشتم سارگن دوم علیه اورارتو دانست (Ibid. 60).

منابع دوره آرگیشتی اطلاعات جغرافیایی بیشتری درباره پَرسوآ به ما می‌دهند. آرگیشتی در کتیبه‌ای طولانی شرح نبردهای خود با اهالی مانا، آشور و بابلونی (Babiluni) را به‌تفصیل ذکر کرده است. در این دوره دو بار به پَرسوآ اشاره شده است. به پَرسوآ در کنار کِلِیشین (Qilašini)^{۴۰}، مَنَبشونی (Menabšuni)^{۴۱}، دودوم (Duduma)^{۴۲}، شوزخَرَر (Šurḫarara)، بوشتو^{۴۳}، بابلونی^{۴۴} و بروآت^{۴۵} اشاره شده است (Salvini, 2008: 338-339 A 8-3 III). نکته مهم در این قسمت از کتیبه اشاره به پَرسوآ در کنار بابلونی است. آرگیشتی مدعی است که در مسیر حرکت خود، شهر بابلونی را گرفته و به سمت بروآت رفته و از آن‌جا رهسپار پَرسوآ شده و روستاهای آن را

غارت کرده و با خاک یکسان نموده است (Ibid). به‌طور خلاصه منابع اورارتویی همچون منابع آشوری، همچنان به پرسوا در زاگرس مرکزی اشاره می‌کنند.

۴. منابع بابلی

در منابع بابلی تنها نام‌های پرسومش ذکر شده است، اما از آنجایی که به‌تنهایی به آن اشاره شده، نمی‌توان مکان آن را تعیین نمود. در یک سند مربوط به سال ۲۲ سلطنت نبوکدنزر (۶۰۴/۳ پ.م) از یک پرسومشی یاد شده است (Henkelman, 2011: 598-599). همچنین در یک فهرست جیره مربوط به سال‌های ۵۹۵-۵۶۹ پ.م، در بابل به سه پرسومشی / ^{LU}Par-su-maš-a-a اشاره شده است: An-ši-ia, Ba-gi-in-du-ú و [...]-bi-ia (Zadok, 1976: 66). در رویدادنامه نبونید هم‌زمان از کورُش به‌عنوان پادشاه پرسو و انشان یاد شده است (Kuhrt, 2007/I: 50). همچنین در یک سند فروش برده ذکر شده که ایدین-نبو برده‌ی خود را به یک پارسی (x) (^{LU}Par-sa-a-a) (Bīt فروخته است (Dandamayev, 1992: 157). در یک سند دیگر از «شهر پارسی‌ها» (Bīt ^{LU}Par-ri-sa-a-a) یاد شده است (Ibid).^{۴۶}

۵. نتیجه

به‌طور خلاصه بررسی منابع آشوری، بابلی و اورارتویی نشان می‌دهد که: ۱. از دوره شلمنصر سوم تا آشوربانی‌پال همواره به پرسوا در زاگرس مرکزی اشاره شده است. در منابع به این نام‌های پیوسته در ارتباط با نام‌های آلبرئی، مانا، آبدانو، نمری، میسو، پدیرا، اندئی، گیزیلبوندا و بیت خمبن اشاره شده است؛ ۲. در دوره شمش-داد پنجم تا آشوربانی‌پال علاوه بر پرسوا در زاگرس مرکزی به پرسَمَش / پرسومش در ارتباط با بیت-بونکی و ایلام اشاره شده است. به دیگر سخن، به پرسَمَش و پرسومش در ارتباط با نام‌های بابلی اشاره شده که نمی‌توان آن‌ها را در زاگرس مرکزی مکان‌یابی نمود و به‌وضوح با ایلام و به‌ویژه مرزهای شرقی آن در ارتباط هستند؛ ۳. در دوره شلمنصر سوم، شمش-داد پنجم، داد-ناراری سوم و تیگلث-پیلیر سوم از صورت نوشتاری پرسوا استفاده شده است. در دوره شمش-داد پنجم همچنین از پرسَمَش در کنار پرسوا یاد شده است. از دوره سارگن دوم مسئله پیچیده‌تر می‌شود. در کتیبه‌هایی که به فتح شهرهایی در زاگرس مرکزی اشاره دارند از دو صورت نوشتاری پرسوا و پرسواش استفاده شده است؛ درحالی‌که هر دو متن اشاره به یک منطقه دارند. در نامه‌های اداری دوره سارگن دوم از صورت نوشتاری پرسوا (در زاگرس مرکزی) و پرسومش (در مرزهای شرقی

ایلام) استفاده شده است. در دورهٔ اِسْرَحَدون و سنخریب به ترتیب از پَرسومش و پَرسوآش استفاده شده است. در نامه‌های اداری و سالنامه‌های آشوربانی‌پال پیوسته از صورت نوشتاری پَرسومش استفاده شده است. تنها در یک مورد از پَرسوآ و در ارتباط با شهر بیرتی یاد شده است. در منابع بابلی از دو صورت نوشتاری پَرسومش و پَرسو استفاده شده است. پَرسوآ تنها صورت نوشتاری ضبط‌شده در منابع اورارتویی هست؛ ۴. منابع اورارتویی همچنان به پَرسوآ / پَرسوآ در زاگرس مرکزی اشاره دارند. اشاره به پَرسوآ در ارتباط با نواحی نی‌کی‌پی (دورهٔ ایشیونینی و میئوا)، بوشتو، بابیلونی / نمری و بروآت (دورهٔ آرگشیتی) تأییدکننده‌ی این موضوع است. منابع به این نام‌جای‌ها در جنوب دریاچهٔ ارومیه، زاگرس مرکزی و ناحیهٔ دیاله اشاره کرده‌اند. پَرسوآ چندین بار در منابع آشوری در ارتباط با نمری ذکر شده است. در همین زمان منابع اورارتویی به پَرسوآ در کنار بابیلونی / نمری و بروآت اشاره کرده‌اند؛ لذا به نظر نمی‌رسد که منابع اورارتویی در این دوره به پَرسوآ در جنوب دریاچهٔ ارومیه اشاره کرده باشند؛ ۵. منابع بابلی کمک‌چندانی در رابطه با مکان‌یابی نام‌جای‌های مزبور نمی‌کنند. در دورهٔ نبوکدنزر دوم به فرستاده‌ای از سرزمین پَرسومش اشاره شده است. در همین دوره و در یک فهرست جیره از پارسی‌ها (۴) با عنوان پَرسو مَشی‌ها یاد شده است. در دورهٔ نبونئید از پَرسو برای اشاره به پارس استفاده می‌شد. ۴۷ از طرف دیگر اگر ما پَرسومشی‌ها در دورهٔ نبوکدنزر دوم را معادل پارسی‌ها در نظر بگیریم، در دورهٔ هخامنشی دیگر از این صورت نوشتاری استفاده نشده است. همان‌طور که ذکر آن گذشت، برای اشاره به‌عنوان «پارسی» از الگوی ^{LÚ}Par-sa-a استفاده شده است. ۶. در سال ۶۹۱ پ.م، هوبن نوین پادشاه ایلام نیروهایی از نواحی مختلف را بر علیه سنخریب بسیج نمود. در سالنامه‌های این دوره به پَرسوآش به‌عنوان یکی از متحدان ایلام اشاره شده است. بنابر منابع این دوره «سرزمین‌های پَرسوآش، انشان، پَشیرو، الیپی، مردان یَزَن (Yazan)، لَکَبَر (Lakabra)، هَرزُونو (Harzunu) ... در نبرد خلوله شرکت کردند» (Grayson & Novotny, 2012: 182, 231, 223). اشاره به پَرسوآش در کنار انشان، پَشیرو و الیپی و به‌عنوان متحد ایلام این مسئله را در ذهن تداعی می‌کند که پَرسوآش اشاره به مرزهای شرقی ایلام و ناحیه پارس دارد. این مسئله از چند جنبه قابل بررسی است. به لحاظ جغرافیایی، این که در این متن واضح نیست که آیا ترتیب قرارگیری نام‌جای‌ها به معنای هم‌جواری آن‌هاست یا نه. مثلاً درحالی که انشان در مرزهای شرقی ایلام / فارس ذکر شده، بعد از آن به الیپی در زاگرس مرکزی اشاره شده است؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد که این متن برای

مکان‌یابی پرسواش راهگشا باشد و بیشتر نشان‌دهنده نفوذ پادشاه ایلام در نواحی مزبور است. به همین جهت به نظر نمی‌رسد که در این زمان بتوان پرسواش را در پارس مکان‌یابی نمود. لذا بهتر آنکه پرسواش در این زمان را همچنان در زاگرس مرکزی مکان‌یابی کنیم (Cf. Hansman, 1972; Diakonoff, 1985a-1985b)؛ ۷. اینکه بررسی منابع نشان می‌دهد که ما با دو منطقه جغرافیایی جداگانه مواجه هستیم: الف- پرسوا و پرسواش در زاگرس مرکزی؛ به این نام‌جای از زمان شلمنصر سوم تا آشوربانی‌پال اشاره شده است. بررسی نام‌جای‌های مرتبط با آن‌ها در تمامی این دوره‌ها نشان می‌دهد که به آن همواره در زاگرس مرکزی و نزدیک به سرزمین مادی‌ها اشاره شده است. ب- پرسَمَش و پرسومش: به این نام‌جای پیوسته در ارتباط با ایلام و مرزهای شرقی آن اشاره شده است. منابع آشوری در زمان شمش-داد پنجم، سارگن دوم و آشوربانی‌پال به این نام در ارتباط با نواحی جنوبی و به‌ویژه بیت-بونکی، خیدلو، شلوک و تخشَر اشاره کرده‌اند. به دیگر سخن اینکه، کاتبان میانرودانی صورت نوشتاری پرسوا و پرسواش را تنها برای اشاره به زاگرس مرکزی و پرسَمَش و پرسومش را برای مرزهای شرقی ایلام به کار می‌بردند. این دقت تا آنجا به چشم می‌خورد که در زمان شمش‌داد پنجم، سارگن دوم و آشوربانی‌پال هم‌زمان از نام‌جای‌های پرسوا، پرسواش (زاگرس مرکزی)، پرسَمَش و پرسومش (مرزهای شرقی ایلام) استفاده شده است.

پی‌نوشت

۱. مهم‌ترین پژوهش‌ها در این موضوع عبارت‌اند از:

Smith 1951; Ghirshman 1951, 1977; Minorsky 1957; Young 1967, 1988, 2003; Levine 1973, 1974; Stronach 1974; Reade 1978, 1995; Diakonoff 1985a, 1985b; Miroschedji 1985; Zimansky 1990; Vera Chamaza 1994, 1995/1996; Sumner 1994; Waters 1999, 2011; Rollinger 1999; Zadok 2001, 2002; Fuchs 2003/2005; Basello 2005; Henkelman 2003, 2011; Imanpour, 1998; ۱۳۹۱ . ملازاده.

۲. در تعیین نام‌جای‌های سرزمین‌های شرقی آشور اختلاف‌نظر بسیاری وجود دارد. به برخی از اسامی برای نخستین‌بار اشاره شده و تعیین رابطه‌ی آن‌ها با نواحی هم‌جوار بسیار دشوار است. این مسئله به‌ویژه در مورد نام‌جای پرسوا بسیار به چشم می‌خورد. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد در بهترین شرایط تنها می‌توان به تعیین مکان تقریبی این نام‌جای‌ها اشاره نمود. لذا این کاملاً منطقی است که هر پژوهشگری با بررسی این متون ادعا کند که مکان دقیق پرسوا را نشان داده است. بارها پیش‌آمده که شهری در جنوب دریاچه‌ی ارومیه به‌عنوان مکان پرسوا تعیین شده، درحالی‌که پژوهشگر بعدی منطقه‌ی مجاور آن را پیشنهاد داده است (cf. Smith 1951).

۳. رشته‌کوه بازیان، مابین کرکوک و سلیمانیه در جنوب زاب سفلا (Levine, 1973: 18-17).

۴. در غرب آن قره‌داغ قرار دارد که مرز طبیعی آشور و زموآ است. در شمال و جنوب آن زاب سفلا و دیاله واقع شده‌اند و در شرق آن اورامان داغ قرار داشت و می‌توان آن را در سلیمانیه مکان‌یابی نمود (Levine, 1973: 21-22; Reade, 1995: 38).
۵. نواحی پایین‌دست سردشت (Wright, 1943: 177; cf. Kinner-Wilson, 1962: 112; Fuchs, 1994: 481).
۶. بیجار (Herzfeld, 1968: 25, 241-243)، همدان (Reade, 1978: 140).
۷. مجاورت سرپل ذهاب و یا اسلام‌آباد غرب (Levine, 1972-75a: 71; cf. Cf. Zadok, 1985: 145; Herzfeld, 1968: 157, 160)، ناور-کوند (Herzfeld, 1968: 203, 241)، شهاباد/اسلام‌آباد (Reade, 1978: 137).
۸. در امتداد دیاله و جایی مابین هرسین و قره‌داغ (Levine, 1973: 22-24).
۹. دیاله‌ی علیا و در سرزمین‌های مرزی شمال شرقی میان‌رودان و شمال غرب ایران (Herzfeld, 1968: 42; Medvedskaya, 1999: 61).
۱۰. میشت در منابع اورارتویی (Diakonoff & Kashkai, 1981: 57)، غرب-شمال غرب میان‌دوآب و در جنوب دریاچه‌ی ارومیه (Herzfeld, 1968: 187).
۱۱. جنوب نهاوند و یا نه‌چندان جنوبی‌تر و در نواحی سَنُقَر و کنگاور (Herzfeld, 1968: 191).
۱۲. ماهی‌دشت مرکزی و یا شرقی (Levine, 1972-75c: 120-121; 1974: 116; Vallat, 1993: 83)، نهاوند و ملایر (Herzfeld, 1968: 32)، تپه گیان (Reade, 1978: 140; cf. Fuchs, 1994: 437; Zadok, 2002: 124).
۱۳. ناحیه‌ی هکاری و یا یوکسکوا (Yüksekova) (Salvini, 1982: 386; 1995: 45; Cf. Vera Chamaza, 1995/96: 248)، رواندوز (Russel, 1984: 197-198)، چهارضلعی اشنو-رواندوز-پیژدر-مه‌آباد (Reade, 1979: 178; Cf. Liebig, 1991: 33-34; Herzfeld, 1968: 24, 175)، نواحی علیای زاب کوچک و در مسیر «خانه» به سردشت (Lanfranchi, 1995: 136).
۱۴. جنوب دریاچه‌ی ارومیه-بوکان (Herzfeld, 1968: 187; Reade, 1995: 41; cf. Zadok, 2002: 92-94; Levine, 1974: 116; 2002: 92-94; Levine, 1974: 116; 2002: 92-94).
۱۵. جنوب غربی دریاچه‌ی ارومیه و حوالی رواندوز (Diakonoff & Kashkai, 1981: 9).
۱۶. حسنلو (Reade, 1979: 175-179; cf. Salvini, 1995: 43; Lanfranchi, 1995: 127).
۱۷. شرق اربیل و شمال کانی رَش (Parpola & Porter, 2001: pl. 4).
۱۸. منطقه‌ی طارم و در دشت سفلائی قزل اوزون (Herzfeld, 1968: 243; cf. Zadok, 2002: 94; Fuchs, 1994: 421; Reade, 1978: 140).
۱۹. به این صورت نوشتاری بار دیگر در منابع آشوری اشاره نشده است.
۲۰. در حال حاضر تعیین مکان دقیق تئورل روی نقشه امکان‌پذیر نیست.
۲۱. منابع در مکان‌یابی گیزیل‌بوند در نواحی حوالی زنجان اتفاق نظر دارند. به این منطقه در منابع آشوری مابین میسی و مانا اشاره شده و می‌توان آن را در زنجان-چای و حوالی سلطانیه مکان‌یابی نمود (Fuchs, 1994: 435; Reade, 1979: 134; Parpola, 1970: 134; Streck, 1900: 298f; Herzfeld, 1968: 11, 243).

۲۲. آرزویش در جنوب به پرسوا و شورگدی و در شمال به بیت-بروو و الیبی منتهی می‌شد و بیت-همین و خرخر در شرق آن قرار داشتند (Reade, 1978: 138). هرتسفلد (1968: 191) آن را در جنوب نهاوند و یا نه‌چندان جنوبی‌تر و در نواحی سنقر و کنگاور مکان‌یابی نموده است.
۲۳. به سگبت در زمان شمسی- آدد و تیگلت- پیلیر به ترتیب به صورت سگبیت و بیت- سگبت اشاره شده و آن شهری است مادی در حوالی کیشسیم (Kišesim) و در شمال غربی خوزستان و غرب رود دز (Fuchs, 1994: 428; Vera Chamaza, 1994: 107).
۲۴. این سند که از آن به‌عنوان «نامه‌ای از طرف خدا» یاد می‌شود، از طرف آشور به شمسی-آدد نوشته شده است. ابتدا از زبان آشور آنچه پادشاه به او گزارش داده، آورده شده است. سپس در ادامه، آشور دستور حمله را صادر می‌کند (Grayson, 1996: 193 29' - 34').
۲۵. این نام‌جای اشاره به منطقه‌ای کوهستانی در شرق در دارد و میروشچی (1990: 212; 1986: 61) معتقد است که می‌توان آن را در جنوب استان ایلام (شهرستان مهران) مکان‌یابی نمود (Cf. Zadok, 1985: 259-260).
۲۶. شرق اوارتو و در جنوب قُدر-چای (Salvini, 1982: 387)، دشت خوی (Zimansky, 1985: 15; Herzfeld, 1968: 17, 25)، سه‌ند (40ff; 1990: 15).
۲۷. جنوب دریاچه‌ی ارومیه و بخشی از سرزمین الیبی (Diakonoff & Kashkai, 1981: 18-19; cf. Luckenbill, 1924: 28, 59; Levine, 1974: 117; Frahm & Schmitt, 1999: 273).
۲۸. واقع در قزوین (Reade, 1974: 118) (Bīt-Kapsi).
۲۹. شرق ماهیدشت و در منطقه بیستون (Vallat, 1993: 306; Vera Chamaza, 1994: 108).
۳۰. CT 53 895 ابتدا به حاکم شهر (x) اشاره می‌کند که به سمت شپرد (Šaparda) در حال فرار بود. در ادامه به فرزند (۴) دالتا پادشاه الیبی و پرسوا اشاره شده، اما متن نامه آن قدر آسیب‌دیده که نمی‌توان برداشت درستی از آن داشت (Fuchs & Parpola, 2001: no. 102). در یک سند به حاکم پرسوا در اوایل سال ۷۱۷ پ.م، اشاره شده درحالی‌که پنجاه سواره‌نظام را به خدمت گرفته بود. احتمالاً او در قبال این تعداد سواره‌نظام، فردی به نام سَهی (Sahhī) را به گروگان گذاشته بود (Kwasman & Parpola, 2001: no. 25). همچنین به ایلو- تکلک (Ilu- taklak) به‌عنوان حاکم پرسوا اشاره (Fales & Postgate, 1992: no. 128). سرانجام این‌که در یک سند به ده رأس گوسفند از پرسوا (UDU par- su-a) اشاره شده است (Ibid. no. 134).
۳۱. این داده‌ها خلاف نظر دیاکُنف را نشان می‌دهند. او معتقد است که ما دو منطقه در غرب ایران با نام پرسوا در زاگرس مرکزی و پرسواش/ پرسومش در مرز ایلام داریم. پرسوا زاگرس مرکزی را می‌توان بین اورامان و سنندج مکان‌یابی نمود؛ درحالی‌که پرسواش/ پرسومش اشاره به منطقه‌ی فارس، دره‌های رودخانه‌ی کُر و پُلوار دارد (Diakonoff, 1985a: 63- 64, 78; 1985b: 18-20).
۳۲. ← H 2 ii 7' - 13' ← کورَش پادشاه پرسومش (Borger, 1996: 191f). IIT 115- 118 ← کورَش پادشاه پرسومش و پیزلومه پادشاه خودمیری سفرای خود را جهت برقراری روابط حسنه و عقد اتحاد را همراه با خراج فراوان نزد آشوربانی‌پال فرستاده‌اند (Ibid. 280f). ← H 2 ii 14' - 25' ← پیزلومه پادشاه خودمیری که در دوردست‌ها و در آن‌سوی ایلام زندگی می‌کرد (Ibid. 191f).
۳۳. بحث‌های زیادی پیرامون مکان‌یابی خیدلو انجام‌شده و امروز این اتفاق نظر بین پژوهشگران وجود دارد تا آن را در بهبهان و یا در مسیر جاده‌ای که تخت جمشید را به شوش وصل می‌کرد قرار دهند

- Stolper, 2003: 308-309; Álvarez-Mon, 2010: 16-20; cf. Hinz, 1960: 250- 251;)
(Hansman, 1972: 108 fn. 54; Cameron, 1936: 165, fn. 25
۳۴. به این نام در منابع آشوری به صورت راسو/راشو اشاره شده و آن اشاره به منطقه‌ی کوهستانی شرق
دِرُ دارد (Miroschedji, 1986: 212; 1990: 61; Zadok, 1985: 27, 259-260).
۳۵. این نام‌جای اشاره به حوالی رودخانه‌ی اوئِنو دارد (Ibid. 251).
۳۶. خَبْخو را می‌توان در شمال آشور و کوه‌های تاروس (Taurus) مکان‌یابی نمود (-Levine, 1972)
(1975d: 12-13; Zadok, 1985: 145).
۳۷. در حال حاضر نمی‌توان مکانی روی نقشه برای کیودتی تعیین نمود و به این نام در جایی دیگر
اشاره نشده است.
۳۸. مرز ایلام و بابل (Zadok, 1985: 249; Cf. Cameron, 1936: 163-164).
۳۹. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شَلوک را می‌توان در جنوب شرقی خوزستان و به تعبیر دقیق‌تر در
مرزهای شرقی ایلام مکان‌یابی نمود (Steve, 1987: 43-45; Henkelman, 2008: 18 fn. 31, 43)
(fn. 111, 426 fn. 981). در نامه‌های ABL 281, 789, 1311 به شَلوک در ارتباط با پرسومشی‌ها و
منطقه جنوب شرق خوزستان اشاره شده است (Waters, 1999: 104). همچنین در ABL 281 به
شَلوک در کنار تَخْشَر (Taḫḫašar) اشاره شده است. اغلب تَخْشَر را با ناحیه دَثیر (Dašer) در گل‌نوشته‌های
ایلامی تخت‌جمشید یکی می‌دانند (Henkelman, 2008: 44 fn. 112, 59, especially 112 fn.)
(245; Cf. Vallat, 1993: 54- 55; Koch, 1990: 200-202; Arfaee, 2008: 100-101
در گل‌نوشته‌های ایلامی تخت‌جمشید چندین به آن به صورت شولک (Šullakke) اشاره شده است. در دوره
هوتلودوش - اینشوشینک (Huteluduš-Inšušinak) به صورت Šal-u-lik-ki/ Šal-ulikki به آن اشاره
شده است (Scheil, 1911: 75). استو (1987: 43-45) معتقد است که شَلوک را می‌توان در شهر
سلوکیه بر کناره رودخانه هدیفون (Hedyphon) / جراحی مکان‌یابی کرد (Ibid; Cf. Hansman,)
(1978: 154-161; Henning, 1952: 176-178). این ناحیه را جغرافی‌دانان مسلمان سوورق
(Surraq) و دوروق (Dauraq) نامیده‌اند (Ibid). کمرون معتقد بود که شَلولیکی اشاره به شَلوک دارد
(Cameron, 1936: 130, 204). هنکلمن آن را با منطقه شولگی (Šullaggi) در گل‌نوشته‌های ایلامی
تخت‌جمشید و منطقه رامشیر یکی می‌داند. همچنین زی‌داک (1981/1982: 136 fn. 20; 1985:)
285) معتقد است که می‌بایست آن را در حوالی رودخانه هدیفون/جراحی و شهر سلوکیه مکان‌یابی کرد.
۴۰. کلیشین را می‌توان در شرق موصصیر، جنوب مِشت، شمال خوبوشکیی و شرق Qalatgah
مکان‌یابی نمود (Parpola & Porter, 2001: plate 4).
۴۱. از مکان مَبْشونی اطلاع چندانی در دست نیست و در حال حاضر نمی‌توان مکانی روی نقشه برای
آن تعیین نمود.
۴۲. جنوب دریاچه‌ی ارومیه (Diakonoff & Kashkai, 1981: 27).
۴۳. بوشتو اشاره به منطقه‌ی بین نمری در دوره‌ی آشور نو و قسمت علیای دیاله در شمال دارد و آن را
با بوشتو در دوره‌ی آشور نو و در مرز مانا و پَرسوا یکی می‌دانند (Diakonoff & Kashkai, 1981: 23).
۴۴. سرزمین نمری در شمال دیاله (Diakonoff & Kashkai, 1981: 18).
۴۵. در جنوب ارومیه و اشاره به بیت- بَروا و بیت- بَری (Bīt- Bari) در منابع آشوری دارد (Ibid.)
(18-19).

۴۶. در منابع ایلامی به پرسوا، پرسواش، پرسمش و پرسومش اشاره نشده است. باین وجود گل‌نوشته‌های ایلامی آکروپل شوش از مهم‌ترین منابعی هستند که در آن‌ها صراحتاً به پارسی‌ها در ارتباط با مرزهای شرقی ایلام اشاره شده است. در این منابع پرسپ/ پرسیر (Parsip/ Parsirra) به احتمال فراوان اشاره به پارسی‌ها دارند و برخلاف برخی نام‌جای‌ها صراحتاً به‌عنوان یک عنصر قومی به آن‌ها اشاره شده است (Henkelman, 2011: 604 fn. 80-81). بررسی نام‌جای‌های مذکور در گل‌نوشته‌های آکروپل شوش و تعیین موقعیت جغرافیایی آن‌ها از یک‌طرف و تعیین ارتباط آن‌ها با پارسی‌ها و مرزهای شرقی ایلام از طرف دیگر بسیار حائز اهمیت است. این موضوع دست‌کم کمک می‌کند تا جغرافیایی که در آن به پارسی‌ها اشاره شده را بهتر درک کنیم. بررسی گل‌نوشته‌های آکروپل شوش نشان می‌دهد که به پارسی‌ها به‌وضوح در ارتباط با سه منطقه اشاره شده است. این نام‌جای‌ها عبارت‌اند از: پارسی‌های زمگیر (-Za-am-be-gir-^{AS}), پارسی‌های هوری (^{BE}Pár-sip¹ ^{AS}hu-^rri¹) و پارسی‌های دتی‌ین (-da-at-(-ti)-ia-na-ip-^{AS}). علاوه بر این در کنار این نام‌جای‌ها به پارسی‌ها در ارتباط با دیگر مناطق نیز اشاره شده است. این‌ها عبارت‌اند از خیدلو، کوردوشوم و شل (Šala). به کوردوشوم علاوه بر گل‌نوشته‌های آکروپل شوش بارها در متون ایلامی تخت‌جمشید اشاره شده است. این منطقه در تقسیم‌بندی‌های اداری گل‌نوشته‌های تخت‌جمشید جزو ناحیه‌ی فهلیمان می‌باشد و در متون بارها به آن اشاره شده است (Henkelman, 2008: 44 fn. 112). همچنین در متون ایلامی تخت‌جمشید به شهر شل اشاره شده و می‌توان آن را در حوزه‌ی اداری تخت‌جمشید مکان‌یابی کرد (Ibid. 112 fn. 245, 313 fn. 721). علی‌رغم بحث‌های فراوان درباره‌ی مکان‌یابی خیدلو به‌نظر می‌رسد می‌توان آن را در مرزهای شرقی ایلام و در منطقه‌ی بهبهان، در امتداد جاده‌ای که تخت‌جمشید را به شوش وصل می‌کرد مکان‌یابی نمود (Stolper, 2003: 308-309; Álvarez-Mon, 2010: 16-20; Cf. Hinz, 1960: 250-251; Hansman, 1972: 108 fn. 54; Cameron, 1936: 165, fn. 25). به‌طور خلاصه، بررسی متون ایلامی آکروپل شوش نشان می‌دهد که در این دوره به گروه‌های قومی گوناگونی اشاره شده که از آن میان می‌توان به پارسی‌ها اشاره نمود. به پارسی‌ها در ارتباط با نام‌جای‌هایی اشاره شده که منابع آن‌ها را در مرزهای شرقی ایلام و به‌ویژه ناحیه‌ی بهبهان، فهلیمان و پارس نشان می‌دهند.

۴۷. برای بحث در مورد اشاره هم‌زمان به کورش به‌عنوان پادشاه انشان و پرسو در رویدادنامه‌ی نبونئید

نک.: Henkelman, 2011: 597 fn. 63; 2003: 193.

منابع

ملازاده، کاظم (۱۳۹۱)، «پرسوا، پارشوا، پرسواش، پرسوماش و ارتباط آن‌ها با پارسی‌ها و مهاجرت آن‌ها به داخل سرزمین ایران»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۳.

Álvarez-Mon, J. *The Arjān tomb: at the crossroads of the Elamite and the Persian empires*, Aclr 49: Peeters. 2010.

Arfaee, A. *The geographical background of the Persepolis tablets*, Dissertation submitted to the University of Chicago, 2008.

Basello, G. B. "Pre-Achaemenid Persians: An Elamite Point of View", *lecture given at the Erste Italienisch-Österreichisches Iranistisches Symposium*, Cagli, September 17-19, 2005.

www.elamit.Net / elam / parsip_ handout. pdf.

Borger, R. *Beiträge zum Inschriftenwerk Assurbanipals. Die Prismenklassen A, B, C= K, D, E, F, G, H, J und T sowie andere Inschriften*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 1996.

Cameron, G. *History of early Iran*, Chicago/London: University of Chicago, 1963.

Dandamaev, M. A. *Iranians in Achaemenid Babylonia*, Columbia Lectures on Iranian Studie 6, 1992.

Diakonoff, I. M. "Media", *CHI II*, (I. Gershevitch ed): 36-149, 1985a.

Diakonoff, I. M. "Elam", *CHI II*, (I. Gershevitch ed): 1-25, 1985b.

Diakonoff, I. M. & Kashkai, S. M. *Geographical names according to Urartian texts*, RGTC 9: Wiesbaden, 1981.

Ebeling, E. "Birat", *RIA II*: 30, 1938a.

Ebeling, E. "Bīt-Ḫa'ir(i)", *RIA II*: 42, 1938b.

Fales, F. M. & Postgate, J. N. *Imperial administrative records: Palace and Temple administration*, Part I, SAA VII: Helsinki, 1992.

Fales, F. M. Postgate. *Imperial administrative records. Part 2: Provincial and military administration*, SAA XI: Helsinki, 1995.

Frahm, E. "Whoever Destroys this Image": A Neo-Assyrian Statue from Tell Aḡāḡa (Šadikanni), *NABU*: 77-82, 2015.

Frahm, E. & Schmitt, R. "Bārū or Barrū", *PNA I/II*: 273, 1999.

Fuchs, A. *Die Inschriften Sargons II. aus Khorsabad: dissertation zur Erlangung des philosophischen doktorgrades am Fachbereich historisch-philologische wissenschaften der George-August-Universität zu Göttingen*: Cuvillier, 1994.

Fuchs, A. "Parsuaš", *RIA X*, Dietz Otto Edzard und Michael P. Streck (eds.), Berlin-New York: 340-342, 2003 / 2005.

Fuchs, A. & Parpola, S. *The Correspondence of Sargon II, Part III: Letters from Babylonia and the Eastern Provinces*, SAA XV: Helsinki, 2001.

Ghirshman, R. *Iran: From the Earliest Times to the Islamic Conquest*: Harmondsworth, 1951.

Ghirshman, R. *Iran et la migration des Indo-Aryens et des Iraniens*: Brill, 1977.

Gorris, E. *Power and Politics in Neo-Elamite Kingdom*, PhD thesis submitted to the Université catholique de Louvain, 2014.

Grayson, A. K. *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC)*, (RIMA 3): Toronto, 1996.

Grayson, A. K. & Novotny, J. *The Royal Inscriptions of Sennacherib: King of Assyria (704-681 BC)*, Vol.3/1, Winona Lake: Eisenbrauns, 2012.

Hallock, R. T. *Persepolis Fortification Tablets*, OIP 92: Chicago, 1969.

Hansman, J. "Elamites, Achaemenians and Anshan", *Iran 10*: 101-125, 1972.

Hansman, J. "Seleucia and the three Dauraks", *Iran 16*: 154-161, 1978.

Henkelman, W. F. M. "Persians, Medes and Elamites: acculturation in the Neo-Elamite period", *In Continuity of empire (?): Assyria, Media, Persia*, Giovanni B. Lanfranchi, Michael Roaf, Robert Rollinger (eds.): 181-231, 2003.

Henkelman, W. F. M. *The other gods who are: studies in Elamite-Iranian acculturation based on the Persepolis Fortification texts*, AchHist XIV: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten, 2008.

- Henkelman, W. F. M. "Cyrus the Persian and Darius the Elamite: a Case of Mistaken Identity", In *Herodot und das Persische Weltreich, Akten des 3. Internationalen Kolloquiums zum Thema «Vorderasien im Spannungsfeld klassischer und altorientalischer Überlieferungen»*, Robert Rollinger, Brigitte Truschneegg, Reinhold Bichler (eds.), Harrassowitz Verlag: 577-634, 2011.
- Henning, W. B. "The monuments and inscriptions of Tang-i Sarvak", *Asia Major* 2: 151-178, 1952.
- Herzfeld, E. *The Persian empire: studies in geography and ethnography of the Ancient Near East*: Wiesbaden, 1968.
- Hinz, W. "Zu den Persepolis-Täfelchen", *ZDMG* 110: 236-251, 1960.
- Imanpour, M. T. *The land of Parsa: The First Persian Homeland*, PhD thesis submitted to the university of Manchester, 1998.
- Koch, H. *Verwaltung und Wirtschaft im persischen kernland zur Zeit der Achämeniden*, (TAVO Beih. B 89): Wiesbaden, 1990.
- König, F. W. "Bit-Bunak(k)u/i", *RIA II*: 38, 1938.
- Kuhrt, A. *The Persian Empire: A Corpus of Sources from the Achaemenid Period*, 2 vols: London, 2007.
- Kwasman, T. & Parpola, S. *Legal transactions of the royal court of Nineveh*, SAA VI: Helsinki, 1991.
- Lanfranchi, G. B. "Assyrian Geography and Neo-Assyrian Letters: The Location of Hubuskia Again", In *Neo-Assyrian Geography*, Mario Liverani (ed.), Rome: 127-137, 1995.
- Lanfranchi, G. B. & Parpola, S. *The correspondence of Sargon II, part II: letters from the northern and northeastern Provinces*, SAA V: Helsinki. 1990.
- Levine, L. D. "Ḫamban", *RIA IV*: 71, 1972-75a.
- Levine, L. D. "Ḫašimur", *RIA IV*: 134, 1972-75b.
- Levine, L. D. "Ḫarḫar", *RIA IV*: 134, 1972-75c.
- Levine, L. D. "Ḫabḫu", *RIA IV*: 12-13, 1972-75d.
- Levine, L. D. "Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros I", *Iran* 11: 1-27, 1973.
- Levine, L. D. "Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros II", *Iran* 12: 99-124, 1974.
- Liebig, M. "Zur Lage einiger im Bericht über den 8. Feldzug Sargons II. von Assyrien genannter Gebiete", *ZA* 81: 31-36, 1991.
- Luckenbill, D. *The annals of Sennacherib*, OIP II: Chicago, 1924.
- Medvedskaya, I. Media and its neighbours I: The localization of Ellipi, *IrAn* 34: 53-70, 1999.
- Minorsky, V. Mongol Place-Names in Mukri Kurdistan (Mongolica, 4), BSOAS 19, No. 1: 58-81, 1957.
- Miroschedji, P. de. "La fin du royaume d'Anšan et de Suse et la naissance de l'Empire perse", *ZA* 75 (2): 265-306, 1985.
- Miroschedji, P. de. "La localisation de Madaktu et l'organisation politique de l'Elam à l'époque NeoElamite", *FHE*: 209-25, 1986.
- Miroschedji, P. "La fin de l'Elam: Essai d'analyse et d'interpretation", *IrAn* 25: 47-95, 1990.
- Parpola, S. *Neo-Assyrian Toponyms*, AOAT 6: Neukirchen, 1970.

- Parpola, S. *The Correspondence of Sargon II, Part I: Letters from Assyria and the West*, SAA I/1: Helsinki, 1987.
- Parpola, S. & Porter, M. *The Helsinki atlas of the Near East in the Neo-Assyrian period*: Casco Bay Assyriological Institute, 2001.
- Pecorella, P. E. & Salvini, M. "Researches in the Region Between the Zagros Mountains and Urmia Lake", *Persica 10*: 1-35, 1982.
- Reade, J. E. "Kassites and Assyrians in Iran", *Iran 16*: 137-143, 1978.
- Reade, J. "Hasanlu, Gilzanu, and Related Considerations", *AMI 12*: 175-181, 1979.
- Reade, J. E. "Iran in the Neo-Assyrian period", *In Neo-Assyrian Geography*, (M. Liverani, ed.), *Quaderny di Geografia Storica 5*: Roma, 1995.
- Rollinger, R. "Zur Lokalisation von Parsu(m)a(š) in der Fārs und zu einigen Fragen der frühen persischen Geschichte", *ZA 89*: 115-139, 1999.
- Russell, H. F. "Shalmaneser's Campaign to Urartu in 856 BC and the Historical Geography of Eastern Anatolia according to the Assyrian Sources", *AS 34*: 171-201, 1984.
- Salvini, M. "Forschungen in Azerbaidjan: Ein Beitrag zur Geschichte Urartus", in H. Hirsch and H. Hunger (eds.), *AfO Beih. 19*, Vienna: 384-94, 1982.
- Salvini, M. "Muşasir", *RIA VIII*: 444-446, 1993.
- Salvini, M. "Some Historic-Geographical Problems Concerning Assyria and Urartu", *In Neo-Assyrian Geography*, Mario Liverani (ed.), *Quaderny di Geografia Storica 5*, Rome: 43-53, 1995.
- Salvini, M. "Archaeology and Philology: Reconstructing the History of Northwest Iran in the Urartian Period (9th-7th Centuries B.C.)", *Paper presented at the Proceedings of the International Symposium on Iranian Archaeology*, 2004.
- Salvini, M. *Corpus dei Testi Urartei: Le iscrizioni su pietra e roccia I Testi*, vol. 1, Istituto di Studi sulle Civiltà Dell'eggeo e Del Vicino Oriente: Roma, 2008.
- Scheil, V. *Textes élamites-anzanites, quatrième série*, MDP 11: Paris, 1911.
- Smith, S. "Parsuash and Solduz", *In Professor Pure Davoud memoria, the Iran league*, Vol. 2, Bombay: 62-77, 1951.
- Starr, I. *Queries to the sungod divination and politics in Sargonid Assyria*, SAA IV: Helsinki, 1990.
- Steve, M. J. *Nouveaux mélanges épigraphiques, Inscriptions royales de Suse et de la Susiane*, MDP 53: Nice, 1987.
- Stolper, M. W. "Hidali", *EIr. XII, Fasc. 3*: 308-309, 2003.
- Streck, M. P. "Das Gebiet der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistan und Westpersien nach den babylonisch-assyrischen Keilschriften", *ZA 15*: 257-382, 1900.
- Stronach, D. "Achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration to Fars", *Iraq 36*, No. 1/2: 239-248, 1974.
- Sumner, W. M. "Archaeological measures of cultural continuity and the arrival of the Persians in Fars", *AchHist VIII*: 97-105, 1994.
- Tadmor, H., & Yamada, Sh. *The Royal Inscriptions of Tiglath-pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726-722 BC), Kings of Assyria*, Vol. 1, Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns, 2011.

- Tavernier, J. "Iranians in Neo-Elamite Texts", In *Elam and Persia*, Javier Álvarez-Mon and Mark B. Garrison (eds.), Eisenbrauns: 191-261, 2011.
- Vaan, J. M. C. T. de. *Ich bin eine Schwertklinge des Königs: Die Sprache des Bel-ibni*, AOAT 242: Kevelaer: Butzon & Bercker; Neukirchen-Vluyn: Neukirchener, 1995.
- Vallat, F. *Les noms géographiques des sources suso-élamites*, (RGTC 11): Wiesbaden, 1993.
- Vera Chamaza, G. "Der VIII. Feldzug Sargons II: Eine Untersuchung zu Politik und historischer Geographie des späten 8. Jhs. v. Chr. (Teil I)", *AMI* 27: 91-118, 1994.
- Vera Chamaza, G. "Der VIII. Feldzug Sargons II: Eine Untersuchung zu Politik und historischer Geographie des späten 8. Jhs. v. Chr.(II)", *AMI* 28: 235-267, 1995 / 1996.
- Waterman, L. *Royal correspondence of the Assyrian Empire*: Michigan, 1930.
- Waters, M. W. "The earliest Persians in southwestern Iran: the textual evidence", *IrS* 32: 99-107, 1999.
- Waters, M. W. *A Survey of Neo-Elamite History*, SAA XII, Helsinki, 2000.
- Waters, M. "Parsumaš, Anšan, and Cyrus", in *Elam and Persia*, Edited by Javier Álvarez-Mon & Mark B. Garrison, Eisenbrauns: 283-296, 2011.
- Wilson, J. K. "The Kurba'il statue of shalmaneser III", *Iraq* 24: 90-115, 1962.
- Windfuhr, G. L. "Isoglosses: a sketch on Persians and Parthians, Kurds and Medes", *Aclr* 5 [=Hommages et Opera Minora. Monumentum H.S. Nyberg II]: 457-72, 1975.
- Wright, E. M. "The eighth campaign of Sargon II of Assyria (714 BC)", *JNES* 2: 173-186, 1943.
- Young, T. C. "The Iranian migration into the Zagros", *Iran* 5: 11-34, 1967.
- Young, T. C. "The early history of the Medes and the Persians and the Achaemenid empire to the death of Cambyses", in *The Cambridge Ancient History IV*, D. Hammond, M. Ostwald (ed.): 139-164, 1988.
- Young, T. C. "Parsua, Parsa, and Potsherds", In *Yeki bud, yeki nabud. Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, N. Miller & K. Abdi (eds.): 242-248, 2003.
- Zadok, R. "On the connections between Iran and Babylonia in the sixth century BC", *Iran* 14: 61-78, 1976.
- Zadok, R. "Iranian and Babylonian Notes", *AfO* 28: 135-9, 1981 / 82.
- Zadok, R. *Geographical Names According to New- and Late-Babylonian Texts*, RGTC 8. Wiesbaden, 1985.
- Zadok, R. "On the location of NA Parsua", *NABU*: 1-5, 2001.
- Zadok, R. "The Ethno- Linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period", *Iran* 40: 89-151, 2002.
- Zimansky, P. E. "Ecology and Empire: The Structure of the Urartian State", *SAOC* 41: Chicago, 1985.
- Zimansky, P. "Urartian Geography and Sargon's Eighth Campaign", *JNES* 49, No. 1: 1-21, 1990.